



پروژه نهایی درس تجزیه و تحلیل و نقد عکس

دانشگاه هنر پردیس بین المللی فارابی

مدرس: دکتر محمد خدادادی مترجمزاده

دانشجو: یاسمن کاظم‌نیا

نقد مجموعه عکس سروش کیایی:

این نقد به سوی فرمالیسم جهت گیری می کند.

با نگاهی به مجموعه عکس‌ها و بیانیه عکاس، درمی‌یابیم که با یک فضای آموزشی سر و کار داریم. فضا، فضای پردیس ولی عصر دانشگاه هنر می‌باشد. اینجا محل کار عکاس است و گویی خانه اول وی می‌باشد. فضای آرام و آرامش بخش موجود در عکس‌ها، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. عکس‌ها با دوربین لومو ال سی-ای، ساخت شرکت لومو و فیلم ۱۲۰ عکاسی شده‌اند. لنز این دوربین ثابت است. کادرها مربع شکل هستند که خود این حالت، حس تقارن و آرامش به عکس‌ها می‌بخشد. اولین چیزی که در نگاه نخست به لحظ فرمی توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند، مجسمه مردی است که بر پوستر نمایشگاه می‌بینیم. مرد دستش را پشت گردن خود قرار داده و حالتی به خود گرفته است که گویی درد و رنجی حاصل از تفکر عمیق در باب مسائل گوناگون دارد. این مجسمه بی‌شک ما را به یاد مجسمه مرد متفکر، اثر آگوست رودن، مجسمه ساز فرانسوی می‌اندازد. تفاوت‌ها و تشابهاتی نیز با یکدیگر دارند. مجسمه حاضر در مجموعه عکس‌ها، دستش را پشت گردن خود قرار داده و بسیار خم شده است؛ گویی در تعمق فرو رفته است. در مجسمه مرد متفکر رودن، با اندازه بزرگتر از یک انسان عادی، مرد برهنه‌ای را نشان می‌دهد که بر روی قطعه سنگی نشسته و چانه‌ی خود را بر روی دست راستش گذاشته است؛ درحالی‌که دست راست خود، بر روی پای چپش است. هر دو تندیس طوری طراحی شده‌اند که باید از زیر به آنها نگاه کرد. مجسمه اولی بر روی چیزی شبیه به تنه‌ی یک درخت، زیر قطعه‌ای سنگی و مجسمه دومی بر روی یک سکو قرار گرفته است. با توجه به اینکه این مجسمه در دو عکس به نمایش درآمده است و آنرا روی پوستر نمایشگاه نیز می‌بینیم، در مورد اهمیت آن نوشتیم. در یکی از عکس‌ها، میله‌هایی را اطراف این مجسمه می‌بینیم؛ شاید خواسته‌اند به دور آن حفاظی بکشند. در همین عکس، رنگ در قهوه‌ای است و اشکالی هندسی، مانند مستطیل را بر روی در می‌بینیم. رنگ مجسمه نیز سفید است. در عکسی دیگر، همین مجسمه را از زاویه‌ای نزدیکتر مشاهده می‌کنیم. دیوارها سفید رنگ هستند و بر روی آنها، عکس‌هایی به شکل مربع و مستطیل وجود دارند. شوماژ را می‌بینیم که دارای خطوط موازی زیادی است. عکس‌ها ظاهری مینیمال دارند؛ یعنی در هر عکس، عناصر بصری زیادی را شاهد نیستیم. در یک عکس درختان، در عکسی دیگر مجسمه‌ی قرار گرفته بر سکوی آجری شکل را مشاهده می‌کنیم. در عکسی، دیوارهای تزئین شده با گره‌های آجری و دری با رنگ سبز تیره را می‌بینیم.

از یک ماشین، کمتر از نیمی از آن را میتوانیم مشاهده کنیم. بر روی دیگر دیواری آجری، نقاشی چارلی چاپلین و نوشته‌هایی را می‌بینیم که هر دو به رنگ مشکی می‌باشند. در کل، دیوارهای آجری زیادی در مجموعه عکس‌ها حضور دارند. ساختمانی با ورودی قوسی شکل و پنجره‌های مستطیل شکل، پنجره‌های باز و بسته، مصالح سنگ

و سرامیک و آجر، ورودی‌ها و راه‌های باریک بین دو ساختمان، میله‌های فلزی پنجره‌ها، سقف‌های مقرنسی شکل و به شکل مکعب مربع قهوه‌ای رنگ، لامپ‌هایی که به صورت اریب در طول هم قرار گرفته‌اند، نیمکت‌های سفید رنگ در کنار هم، موزائیک‌های مربعی شکل، راه پله‌های گوناگون و میله‌های مشکی رنگ و قهوه‌ای سوخته، تابلوی اعلانات مستطیل شکل، کمد‌های فلزی خاکستری رنگ، در و صندلی پلاستیکی و چوبی سفیدرنگ، پنجره‌ی با اشکال دوزنقه و مثلث و مربع، داروهای عکاسی و کاغذهای قرمز و سفید روی دیوار، درختان و برگ‌های ریخته شده بر روی زمین، پل کوچک میله‌ای، قوس‌های موجود در بناها، نقاشی‌های روی دیوار که افرادی پیاده و سوار بر دوچرخه را به تصویر کشیده‌اند، ستون‌ها، کارگاه‌های حجم و فلز، درها و بشکه‌های فلزی آبی رنگ، علامت هشداردهنده و ممنوعه، در و پنجره‌های قدیمی، سیم‌های برق، سایه‌ها و تابلوی روی دیوار دانشگاه هنر، همگی از عناصر بکار گرفته شده در مجموعه عکس‌ها می‌باشند. وجود کولر آبی و تی، حسی از زندگی درخانه را برای مخاطب به ارمغان می‌آورند. عکاس، زوایای دید مختلفی را امتحان کرده است و هر عکسی را از چند زاویه‌ی گوناگون، به ثبت رسانده است. در یکی از عکس‌ها، بر روی دیوار و پشت بوته‌ها، تصویر دست‌هایی را می‌بینیم. این دست‌ها قرمز و سیاه رنگ می‌باشند. سه حالت را می‌توان در اینجا متصور شد. اول اینکه؛ دست‌ها به دیوار چنگ زده‌اند و قصد حفاظت از آن را دارند. دوم اینکه؛ دست‌ها در حال طلب کمک می‌باشند و در نهایت؛ دست‌ها خود را تسلیم کرده‌اند. همه این‌ها را از روی حالت و فرم دست‌ها و حسی که در ما به وجود می‌آورند، تشخیص می‌دهیم. نحوه‌ی چیدمان عکس‌ها به این صورت است که در بعضی قاب‌ها یک عکس را می‌بینیم و در بعضی دیگر چهار عکس را در یک قاب مربعی شکل، مشاهده می‌کنیم. در یکی از عکس‌ها، قسمت کوچکی از آبی آسمان را از خلال ساختمان‌ها و از پایین به بالا مشاهده می‌کنیم که این به خاطر زاویه دیدی است که عکاس برگزیده است. انعکاس نورها بر روی شیشه‌های پنجره، دیوارها، زمین، لابه‌لای درختان و درون فضای داخلی ساختمان‌ها نیز، موضوعی قابل توجه است. اشکال هندسی فراوانی را در تصاویر شاهدیم. با توجه به اینکه عکس‌ها، فضای دانشگاه هنر را به تصویر می‌کشند؛ هر چه تعداد این عکس‌ها بیشتر باشد، بهتر است؛ زیرا افرادی هستند که دانشگاه را از نزدیک ندیده‌اند. در حال حاضر، به دلیل پاندمی کرونا، دانشگاه‌ها تعطیل می‌باشند و تنها از رهگذر همین عکس‌ها است که می‌توانند به تصویری صحیح از دانشگاه مورد نظر خود دست پیدا کنند. مجموعه‌ی این عکس‌ها، مجموعه‌ای ارزشمند است که به ما نشان می‌دهد فرم‌ها و عناصر چقدر می‌توانند در عکاسی موثر باشند. عکاسانی نیز که چنین عکس‌هایی را به ثبت می‌رسانند، از جمله افرادی هستند که حتی در ساده‌ترین مکان‌ها، به دنبال فرم‌های هندسی می‌گردند. هندسه در این جا یعنی همه چیز.